



کریمی: تخصص‌گرایی در دوره آقای ریسی اساساً جایی ندارد / احیای برجام از اولویت آمریکا خارج شده است

ساسان کریمی، کارشناس مسائل بین‌الملل و استاد مطالعات جهان دانشگاه تهران به اقتصادآنلاین گفت: در نگاه بلندمدت‌تر واقعیت این است که احیای برجام هنوز ممکن است، ولی حتماً نه با کارگزارهایی که فعلاً داریم و می‌بینیم بسیار دشوار است.

اقتصادآنلاین - پرستو بهرامی راد؛ سیاست خارجی دولت سیزدهم با چالش‌های جدی روبرو شده است. از سوی دیگر از نخست شکل‌گیری دولت روند جدیدی را طرح ریزی کرده بودند که اجرایی شدن آن با شبهاتی همراه شده است. برای مثال دولت سیزدهم از گره زدن سفره مردم به برجام یا گردش به شرق سخن گفته بود.

حال برای بررسی دقیق شرایط سیاست خارجی ایران با ساسان کریمی، کارشناس مسائل بین‌الملل و استاد مطالعات جهان دانشگاه تهران به گفتگو پرداخته‌ایم.

سیاست خارجی دولت سیزدهم به سمت شرق بوده، ولی به دلیل وجود تحریم‌ها حتی نتوانستند این را به درستی انجام دهند. حتی برخی تحلیل می‌کنند که چینی‌ها هم نتوانستند توافق ۲۵ ساله را به جایی برسانند، به این دلیل وجود تحریم‌ها و ماندن ایران در بلک لیست FATF. نظر شما چیست؟

دولت سیزدهم در دو مسئله اقتصاد و سیاست خارجی تصور مقداری سینمایی از حکمرانی در این حوزه‌ها داشت. فکر می‌کرد زمانی که بر سر قدرت بنشیند با زدن کلیدی همه چیز بر وفق مراد خواهد بود. همچنین دولت‌های قبل اگر این کار را نکردند حتماً نخواستند وگرنه کار آسانی است. دوم اینکه تخصص‌گرایی در دوره آقای ریسی و در گفتمان ایشان اساساً جایی ندارد به خصوص در سیاست خارجی. بنابراین افرادی که در سیاست خارجی به روی کار آمدند، از کوبیدن گفتمان دولت قبلی استفاده کردند. بنابراین چون ارتباطشان یک ارتباط وسیع و واقعی نبود، نتوانستند کاری را به انجام برسانند. این را در مورد بدنه سیاست خارجی که ثابت است نمی‌گویم، منظورم در خصوص راس وزارت خارجه و دولت است.

کشورهای شرقی و چین اولویتشان این نیست که بخاطر ما با آمریکا یا غرب درگیر شوند. چینی‌ها بخاطر خودشان هم نمی‌گذارند مسائل امنیتی به عنوان یک تله عمل کند و آنها را به درگیری با آمریکا به هر شکلی بکشاند؛ چون اولویتشان را مشخص کردند و حوزه رقابتشان اقتصاد، بازرگانی، صنعت و تکنولوژی است. بنابراین چنین اراده‌ای در پکن وجود ندارد که بخواهد به واسطه امر دیگری یا کشور دیگری با آمریکا مواجهه پیدا کنند. چین و کشورهای دیگر نه می‌خواهند و نه میتوانند کنش جدی با ما داشته باشند. در مورد سیاست خارجی و نگاه به شرق، من این را خیلی واقعی و منسجم نمی‌دانم، زیرا مشخص نیست که این راهبرد مبتنی بر چه تحلیلی است و باید دید دولت مبتنی بر چه تحلیلی این موضوع را مطرح کرده است. واقعیت این است که شرق به سان شرق یا غرب به سان غرب که دو اردوگاه در مقابل هم باشند و شما ملزم به انتخاب یکی از این دو باشید، وجود ندارد. بزرگترین کشور در آنچه که می‌گویند شرق که چین است و بزرگترین کشور در غرب یعنی آمریکا، بزرگترین شریک تجاری هم هستند، بنابراین اصلاً آن رویارویی دو قطبی یا اصلاً آن قطبیدگی و چند قطبی که در گذشته می‌توانست تصور کرد، در صحنه بین‌المللی وجود ندارد. بنابراین نوع نگرش شرقی و غربی دیگر مربوط به دوران امروز نیست. چیزی که در دوران امروز می‌توان به آن توجه کرد بند و بست‌های موضوعی با کشورهای مختلف است که هر کدام قدرت خودشان را دارند. ما اول باید تصویر درستی از محیط بین‌المللی داشته باشیم.

برخی تحلیل می‌کنند سیاست خارجی ایران در سطح کلان تغییراتی کرده است. مثلاً در اتفاقاتی که بین حماس و اسرائیل رقم خورد، ایران سعی کرده با دیپلماسی پیش برود، نظرتان در این خصوص چیست؟

این جور سیاست‌سازی‌ها فراتر از دولت است و به نظرم خیلی هم عاقلانه است. به سه دلیل عاقلانه است، یک اینکه ایران تمایلی ندارد در بازی انجام شده‌ای که دیگری طراحی و اجرا کرده قرار بگیرد. دوم اینکه خیلی مطمئن نیست و مواظب است که احیاناً به سمت یک تله‌ای هول داده نشود که درگیر بحثی شود که ابتکار عمل دست خودش نیست، مثل جنگ یا غیره. سوم این که هر نوع درگیر شدن الان چتر نجاتی برای رژیم صهیونیستی خواهد بود. به نظرم ایران از همان ابتدا مواظب این معنا بود که اسرائیل را از این مخمصه اعتباری و عملیاتی خلاص نکند. با شروع کردن هر نوع درگیری‌ای به امنیتی‌سازی اسرائیل دامن می‌زند و اسرائیل را پیش از پیش مجاز به هرگونه عملکرد خواهد کرد. به واسطه اینکه فکر می‌کند می‌تواند اینگونه اظهار کند که تهدید وجودی از سوی ایران، حزب الله و غیره متوجه‌اش است. بنابراین ایران اتفاقاً با حفظ فاصله با صحنه اولاً نشان داد که فقط در بازی‌هایی حاضر به عملکرد واقعی است که ابتکار عمل دست خودش باشد، بنابراین در بازی که دیگران می‌خواهند بکنند ورود نمی‌کند. در واقع حمایت می‌کند، ولی عملاً ابتکار عملش را از دست نمی‌دهد. دوم اینکه اصلاً نمی‌خواهد از حرکت ایران سواستفاده شود.

فکر می‌کنید بهترین نوع سیاست خارجی برای ایران امروز چگونه خواهد بود؟

به طور مبنایی ما باید اول شناختمان را در سیاست خارجی درست بکنیم، یعنی تصویری که از محیط و نظم بین‌المللی داریم را تصحیح و روزآمد کنیم و متناسب با واقعیت‌ها و تصورات دیگر کنشگران اصلی جهان که همان چین و غیره هستند، تنظیم بکنیم. باید با دانشمندان این حوزه مشورت کنیم تا شرایط را برای ما توضیح دهند. دوم اینکه اولویت‌هایمان را تعیین کنیم، ما نمی‌توانم هزاران اولویت داشته باشیم. اولویت و صحنه رقابت تعیین بکنیم تا ببینیم اولویت‌مان چیست؟ و بعد بتوانیم اصلاح سیاست خارجی‌مان را در یک بعد میان مدت برنامه ریزی کنیم و به سمتش برویم. اصلاح سیاست خارجی یا روابط خارجی مستلزم یک صبر استراتژیک بیشتری در به نتیجه رسیدن است. همچنین از همه مهمتر نیازمند یک نوع انسجام ملی میان گروه‌های داخلی است که همه با هم در پروژه‌ای که می‌خواهد سیاست خارجی را اصلاح کند، همگرا باشند. امروز سیاست خارجی ما نیازمند کارگزارهای حرفه‌ای‌تری است. واقعیت این است که کارگزارهای ما در دولت آقای ریسی مخصوصاً کارگزارهای مذاکراتی به یک گلوگاه تبدیل شدند. در واقع در مذاکرات می‌توان گفت بازی را انقدر سریع به نتیجه نرساندند که ما درگیر المان‌ها و عناصر دیگری مثل جنگ اوکراین و بعد امروز

موضوع غزه و حماس شدید. اساساً موضوع رفع تحریم‌ها بلاموضوع شد. ما باید بتوانیم این را اصلاح کنیم و در تثبیتش هم صبر کنیم. اصولاً بزرگترین ضمانت در روابط خارجی در کشورهایی که روابط خارجی خود را اصلاح کردند، اول موضوع تجارت و ایجاد منافع متقابل است. دوم قدیمی شدن توافقات و عادت کردن محیط بین‌المللی به آن توافقات است؛ وگرنه محیط بین‌المللی که محیط ابتداگریزی است، اصلاً پلیس یا ناظر یا قدرت واحده دست بالا نسبت به دولت‌ها وجود ندارد که بخواهیم انتظار داشته باشیم کسی طرف مقابل ما را مجبور به تعهداتشان بکند. در نهایت در سیاست خارجی ما مشکل جناحی وجود دارد که باید در گام اول آن اصلاح شود.

فکر می‌کنید بازگشت آمریکا به برجام و احیای آن در یک سال آینده ممکن است، در حالی که انتخابات آمریکا نزدیک است؟

خیر ، من فکر نمی‌کنم در یک سال آینده تا انتخابات آمریکا به این نقطه برسیم، زیرا اولویت آمریکا نیست و از اولویت آمریکا خارج شده است. این موضوع امر غیرقابل محاسبه‌ای ر سیاست داخلی آمریکا است؛ بنابراین دولت بایدن قصد ندارد چنین موضوعی را به معادلاتی انتخاباتی خود بیافزاید، چون نمی‌تواند تبعاتش را محاسبه کند. در حالی که در ابتدای دولت آقای ریسی و انتهای دولت آقای روحانی اینگونه نبود. احیای برجام اولویت آمریکا بود و واقعاً احیای آن ممکن بود. آمریکا الان هم شرایط را تا حدودی شل‌تر کرده، یعنی تحریم‌های نفتی را در مقابل تضمین‌ها یا قول و قرارهایی گذاشته شده است و به نظر می‌آید آقای بایدن برای انتخاباتش از شرایطی که با ایران دارد، راضی است و نیازی به ریسک بیشتر نمی‌بیند. ولی در نگاه بلندمدت‌تر واقعیت این است که احیای برجام هنوز ممکن است، ولی حتماً نه با کارزارهایی که فعلاً داریم و می‌بینیم بسیار دشوار است.